



طهمورث غلامی
 ■ کارشناس مسائل بین‌الملل

نگاه مقایسه‌ای جمهوری خواهان و دموکرات ها به مذاکرات هسته‌ای ایران

این است که برجام، به لحاظ بازه زمانی باید دائمی یا طولانی تر شود و به لحاظ موضوعی، به مسائل منطقه‌ای و دفاعی گسترش یافته و جامع‌تر شود. جمهوری خواهان که اندیشکده بنیاد دفاع از دموکراسی نماینده فکری آن‌ها است، به چند دلیل مخالف مذاکرات احیای برجام هستند و بر راه حل‌های دیگر تأکید دارند. دلایل آن‌ها برای مخالفت با توافق هسته‌ای عبارت‌اند از: اول، هدف ج.ا.ایران دستیابی به سلاح هسته‌ای است؛ بنابراین، حتی با انجام توافق نیز نمی‌توان ایران را از این هدف بازداشت. دوم، رهبران ایران با نگاهی به سیاست‌های اخیر دولت بایدن، اقدام نظامی از سوی آمریکا را غیرممکن تلقی می‌کنند، لذا به دنبال توسعه فعالیت‌های هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای خود هستند. سوم، مشکلات

برجام، مورد بررسی قرار گیرد و در پایان، به این امر پرداخته می‌شود که چگونه سیاست دولت بایدن در مذاکرات احیای برجام، ترکیبی از دیدگاه جمهوری خواهان و دموکرات‌ها است.

نگاه جمهوری خواهان و دموکرات‌ها به مذاکرات احیای برجام

در آمریکا نسبت به اینکه برجام، برنامه هسته‌ای ایران را مهار کرده است، اتفاق نظر وجود دارد. انتقاد جمهوری خواهان به برجام، این بود که اولاً این توافق قابلیت دستیابی ایران به ساخت سلاح را به صورت موقت به تأخیر می‌اندازد؛ ثانیاً برجام محدود به برنامه هسته‌ای ایران است و دیگر موضوعات چالش برانگیز میان ایران و آمریکا را در بر نمی‌گیرد. لذا جمع‌بندی واحد در آمریکا،

از زمان امضای برجام در سال ۲۰۱۵ تاکنون، یکی از مباحث مهم سپهر سیاست داخلی آمریکا، موضوع برجام است؛ زیرا برجام در دولت دموکرات اوپاما با معاونت جو بایدن امضا شد، حزب دموکرات، رسانه‌ها و اندیشکده‌های نزدیک به آن، خواهان حفظ و احیای برجام هستند. در مقابل، حزب جمهوری خواه از ابتدا با برجام مخالف بودند، به گونه‌ای که در دولت جمهوری خواه ترامپ، خروج از برجام اتفاق افتاد. هرچند با روی کار آمدن جو بایدن دموکرات به عنوان رئیس جمهور، جمهوری خواهان اهرم خود در قوه مجریه را برای مخالفت با برجام، از دست داده‌اند اما همچنان مخالفت‌های آن‌ها با مذاکرات احیای برجام وجود دارد. در ادامه تلاش می‌شود تا دیدگاه دو حزب جمهوری خواه و دموکرات به مذاکرات احیای

داخلی، ضرورت بازیابی اقتصاد و رقابت با چین، سبب کاهش حضور و توان آمریکا در خاورمیانه شده است و ایران، فرصت مناسبی برای پیشبرد سیاست های توسعه طلبانه خواهد داشت. چهارم، اسرائیل توان نظامی کافی برای از بین بردن توان هسته ای ایران را دارد. پنجم، چالش اصلی ایران در رفتارها و سیاست های این کشور نیست بلکه در ماهیت نظام سیاسی آن است و راه حل نهایی رفع تهدید ایران، تغییر حکومت در آن است. آن ها به جای مذاکرات احیای برجام برپیشنهادهای ذیل تأکید دارند: اول، نیازی به انجام توافق با ایران نیست، نیروی نظامی آمریکا و اسرائیل، توان از بین بردن برنامه هسته ای ایران را دارد. دوم، اگر ناچار به توافق باشیم، باید توافق احتمالی تنها برای جلوگیری از پیشرفت های هسته ای ایران و به صورت موقت انجام شود؛ پس باید راه کاری نهایی برای تغییر نظام سیاسی در ایران، در نظر گرفت.

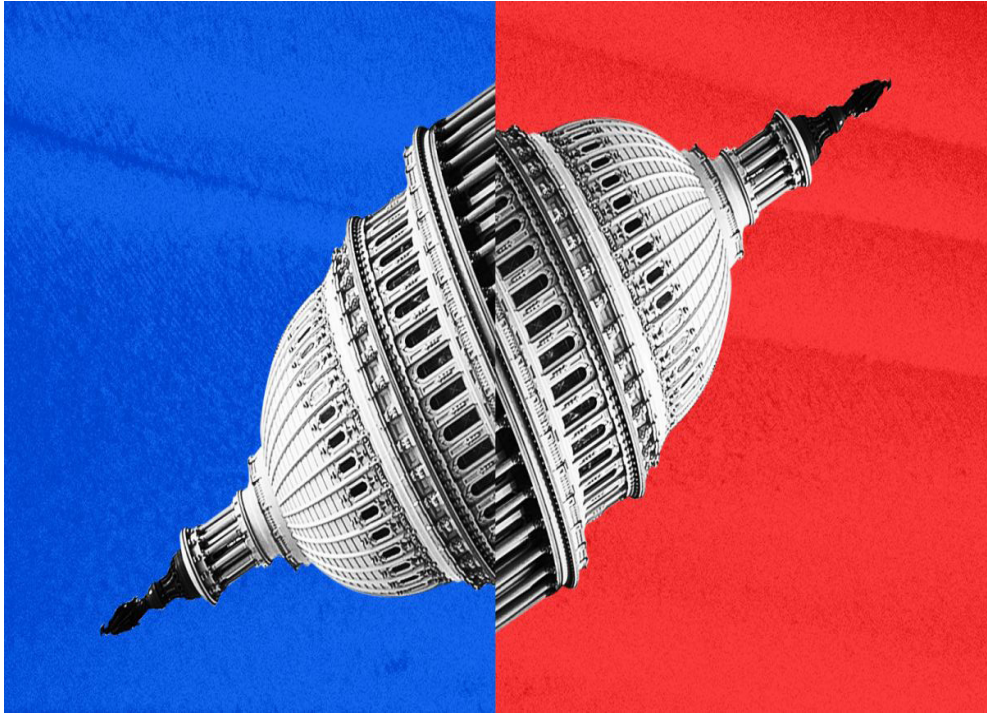
در مقابل، رسانه ها و اندیشکده های حامی حزب دموکرات، خواهان مذاکرات احیای برجام هستند. آن ها برای این درخواست خود، چند دلیل مطرح می کنند: اول، ایران همچنان خواهان مذاکره و بازگشت به توافق بوده و اقدامات انجام شده تنها برای افزایش اهرم فشار این کشور در مذاکرات است. دوم، دولت جدید در ایران برخلاف دولت

حسن روحانی، امکان بهره مندی از منابع مالی بیشتر داخلی و در نتیجه، کنترل وضعیت اقتصادی را دارد؛ بنابراین، برای بازگشت به مذاکرات شتاب نمی کند. سوم، رهبران ج.ا.ایران می دانند که آمریکا و رژیم صهیونیستی از سرعت برنامه هسته ای این کشور، به خوبی آگاه هستند و مراحل آن را به طور دقیق دنبال می کنند؛ بنابراین، هیچ اقدامی برای حرکت به سمت سلاح هسته ای انجام نخواهند داد. چهارم، حرکت به سمت تولید سلاح هسته ای، برتری راهبردی ایران در منطقه را از بین خواهد برد؛ چراکه در صورت دستیابی ایران به این سلاح، کشورهایی مانند عربستان سعودی نیز برای هسته ای شدن، تلاش خواهند کرد، به همین دلیل، رهبران ایران تمایلی برای تولید سلاح هسته ای ندارند. پنجم، ایران در نهایت ناگزیر از درخواست برای لغو تحریم ها خواهد بود و به همین دلیل، میز مذاکره را برای برداشتن فشارهای اقتصادی انتخاب خواهد کرد.

براین مبنا، آن ها پیشنهادهایی نیز مطرح کرده اند که عبارت اند از: اول، کنار گذاشتن تهدید نظامی و جلوگیری از اقدام احتمالی رژیم صهیونیستی علیه تأسیسات هسته ای ایران؛ زیرا در این صورت، ایران برای تولید سلاح هسته ای، جدی تر خواهد شد. دوم، تلاش برای دستیابی به یک توافق موقت برای

جلوگیری از تداوم پیشرفت های هسته ای ایران و در ادامه، اجرای سیاست «بیشتر در برابر بیشتر». سوم، همکاری بیشتر با متحدان و به ویژه همراهی با روسیه و چین، برای استفاده از اهرم فشار این دو کشور علیه ایران.

سیاست دولت دموکرات بایدن در مذاکرات برجام؛ ماهیتی جمهوری خواهانه با روشی دموکرات واقعیت این است که سیاست دولت بایدن، ترکیبی از دیدگاه جمهوری خواهان و اندیشکده های حامی حزب دموکرات است. ارزیابی روند مواضع و اقدامات دولت بایدن، نشان می دهد که رویکرد کلی دولت بایدن نسبت به ایران، تغییر جدی نکرده است؛ استراتژی «فشار هوشمند» یا ترکیب «فشار و تعامل»، الگوی اصلی مواجهه بایدن برای تحقق دو هدف مهار «برنامه هسته ای» ایران در کوتاه مدت و مدیریت «رفتار منطقه ای» آن، در بلندمدت است. برای مثال، می توان به استمرار اقدامات و تحریم های وضع شده در دولت ترامپ، در دوره بایدن اشاره کرد. در واقع، دولت بایدن ابزار تعامل و گفتگو را از دموکرات ها گرفته و ابزار فشار و تحریم را از جمهوری خواهان، به عاریت گرفته که خود این امر، گویای این واقعیت است که سیاست بایدن، ترکیبی از دیدگاه هردو حزب عمده آمریکا می باشد. سؤال اساسی این است که چرا دولت بایدن رویکرد فشار و تحریم



برجسته کردن پیشرفت های هسته ای ایران، تلاش دارند تا حفظ آستانه گریز یک ساله از طریق بازگشت به برجام را غیرممکن معرفی کنند و با تکیه بر مزیت اطلاعاتی خود، راه مؤثر مهار برنامه هسته ای ایران را «استمرار فشار» و «اقدامات خرابکارانه» بیان نمایند. گروه دوم، تیم امنیت ملی بایدن است که معتقدند، هرچند برجام همچنان برای آمریکا دارای مزایای عدم اشاعه ای است اما بازگشت به برجام را برای احیای منطق آستانه گریز یک ساله کافی نمی دانند. آن ها راه حل را در وادار کردن ایران برای پذیرش محدودیت های بیشتر می دانند. مطالبه آمریکا در مذاکرات وین برای تخریب

تواند در زمانی کمتر از یک سال، به قابلیت ساخت سلاح هسته ای دست پیدا کند. آنتونی بلینکن، در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک با وزیر خارجه فرانسه با اشاره به توسعه برنامه هسته ای ایران گفت: «اگر ایران به غنی سازی بالا و استفاده از سانتریفیوژهای پیشرفته ادامه دهد، به نقطه ای خواهیم رسید که بازگشت به استانداردهای برجام به خصوص اطمینان از آستانه گریز، دشوار خواهد شد.»

درواقع، طرح دوباره مفهوم آستانه گریز هسته ای در شرایط کنونی، از سوی دو گروه مطرح می شود؛ گروه اول، اسرائیل و اندیشکده های نزدیک به این رژیم هستند که با

جمهوری خواهان را ادامه می دهد. پاسخ آن، این است که فلسفه برجام که جلوگیری از دستیابی ایران به بمب اتم بود، زیر سؤال رفته است. درواقع، به دنبال سرعت و رشد برنامه هسته ای ایران، برآورد آمریکا از آستانه گریز هسته ای ایران، تغییر پیدا کرده است. به عبارت دیگر، آمریکا به این درک رسیده که از یک طرف، ایران دانش فنی برای غنی سازی اورانیوم در سطح مورد نیاز برای ساخت سلاح را دارد و از طرف دیگر، ماشین های نسل جدید سرعت تولید و انباشت مواد هسته ای را افزایش داده است. از این رو، با فرض احیای برجام، اگر ایران بخواهد از توافق هسته ای خارج شود، می

پرونده ویژه

هدف استمرار فشار علیه ایران و وادار کردن آن به پذیرش محدودیت‌های بیشتر بر برنامه هسته‌ای اش را برای خود محفوظ بدارد.

و داوطلبانه، در این چهارچوب بود. در واقع، هدف آمریکا این است که بخشی از تحریم‌ها را حفظ کند و حق اعمال تحریم‌های بیشتر را با

ماشین‌های نسل جدید، توقف توسعه زیرساخت‌های تولید این ماشین‌ها و افزایش همکاری ایران با آژانس در زمینه نظارت‌های تکمیلی

